

غزل شماره ۴۷

به کوی میکده هر سالکی که ره دانست
دری دگر زدن اندیشه تبه دانست

زمانه افسر رندی نداد جز به کسی
که سرفرازی عالم در این کله دانست

بر آستانه میخانه هر که یافت رهی
ز فیض جام می اسرار خاتمه دانست

هر آن که رازِ دو عالم ز خطِ ساغر خواند
رُموزِ جامِ جم از نقشِ خاکِ ره دانست

ورایِ طاعتِ دیوانگان ز ما مَطْلَب
که شیخِ مذهبِ ما عاقلی کُنَد دانست

دلم ز نرکِ ساقی امان نخواست به جان
چرا که شیوهٔ آن ترکِ دل سیه دانست

ز جورِ کوبِ طالع، سحرِ کمانِ چشم
چنان گریست که ناهید دید و مه دانست

حدیثِ حافظ و ساغر که می زند پنهان
چه جای محتسب و شحنه، پادشاه دانست

بلند مرتبه شاهی که نه رواقِ سپهر
نمونه‌ای ز خم طاقِ بارگاه دانست

تفسیر فال

پل‌های پشت سر خود را خراب نکن و به یاد داشته باش که هرگز نمی‌دانی چه موقع به آن‌ها نیاز خواهی داشت. سرت را بالا بگیر و با اعتماد به نفس به جلو حرکت کن. هنوز رموز زندگی را درک نکرده‌ای و این سفر، پر از درس‌ها و تجارب است که باید با شجاعت از آن عبور کنی. ستاره‌ی دولت و اقبال تو همچون سیاره‌ی ناهید در آسمان می‌درخشد، نمادی از امید و فرصت‌های بی‌پایانی که پیش روی توست. پیشنهادات خود را مطرح کن، چرا که این

اقدام نشان‌دهنده‌ی اراده و ابتکار توست. دل به دریا بزن، زیرا تنها زمانی پیروز خواهی شد که خودت مشکلاتت را شناسایی کرده و برای حل آن‌ها اقدام کنی؛ نباید منتظر دیگران بمانی تا راه حل‌ها را برایت بیاورند. زندگی یک میدان نبرد است که فقط با تلاش مستمر و خلاقیت می‌توان در آن موفق شد.

به کوشش : [پارسی دی](#)

منبع تفسیرها: [آلامتو](#) و [سلام دنیا](#)